

معرفی کتاب

تازه ترین کتاب اسلاوی ژیزک منتشر شد

کووید ۱۹ جهان را تکان می دهد



کتاب «عالمگیر» با عنوان فرعی «کووید ۱۹ جهان را تکان می دهد» نوشته اسلاوی ژیزک با ترجمه هوشمند دهقان در انتشارات صدای معاصر منتشر شد. در معرفی این کتاب آمده است: کتاب

«عالمگیر» در حقیقت در کدور یافت اسلاوی ژیزک فیلسوف معروف اروپا از بحران کروناست و اهمیت و امتیاز اساسی آن در این است که برخلاف پاره‌ای از آثار او، به زبانی ساده و روان نوشته شده است. ژیزک فصل اول «عالمگیر» را با نقل قولی از انجیل شروع می‌کند: آن‌جا که عیسی مسیح پس از رستاخیزش به مریم مجدلیه می‌گوید: مَرِّ الْمَسْ مَکَن (انجیل یوحنا، باب ۲۰، آیه ۱۷). مسیح پس از رستاخیزش به پیروان خود می‌گوید: مَرِّ الْمَسْ مَکَنید، در عوض، دیگران را با محبت نوازش کنید و با آنان به مهربانی رفتار کنید. اسلاوی ژیزک پس از نقل این آیات می‌نویسد: «[با این حال امروز در بحبوحه همه‌گیر شدن ویروس کرونا، یکریز به ما سفر اش می‌کند که ددگیران را لمس نکنید... فقط از درون است که می‌توانیم به همدیگر نزدیک بشویم، و چشم‌های ما پنجره‌ای است که به درون باز می‌شود. این روزها وقتی آشنایی (باحثی غربی‌های) رami یونیم و فاصله مناسب را حفظ می‌کنیم یک نگه‌عمیق به چشم‌طرف مقابل می‌تواند احساساتی بیشتر از نوازشی خودمانی را بروز دهد». این فیلسوف سرشناس که انتظار می‌رفت به این حادثه جهانی واکنش نشان دهد، در فصل چهارم کتاب هم گریزی به ایران می‌زند. او از قول دکتر ایرج حریرچی، معاون وزیر بهداشت ایران نقل می‌کند که ویروس کرونا ویروس دموکراتی است؛ فقیر و غنی نمی‌شناسد، مسئول و غیر مسئول نمی‌شناسد، او معتقد است که در برابر این ویروس، همگی در یک قایق نشسته‌ایم. فصل‌های بعدی کتاب در خدمت نگاه ناقدانه اسلاوی ژیزک به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حکومت‌های دنیاست. ضمن این که از جواب‌دادن به منتقدان خودمثل جورجیو کامین هم غافل نمانده است. ژیزک با شور و شوق همیشگی‌اش برای استفاده از تمثیل‌های موجود در فرهنگ عامه، صفحات کتابش را با گفتارهایی از کونتین تارنتینو، هربرت جورج ولز، هگل، ومار کس می‌آریدو تصویری موجز و جذاب از بحرانی به‌دست می‌دهد که همچنان وجود دارد و زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند. کتاب «عالمگیر» نه پیچیده است نه فلسفه محض. این کتابیچه نشان می‌دهد که چگونه کرونا ویروس دنیا را تکان می‌دهد. اسلاوی ژیزک معتقد است که دیگر دنیامثل سابق نخواهد بود.



درباره یک کتاب معمایی

آیا ماه الماس، بزرگ‌ترین رمان پلیسی است؟



«ماه الماس»، رمانی است پلیسی از ویلکی کالینز، نویسنده انگلیسی قرن نوزدهم، که با ترجمه منوچهر بدیعی در نشر نیلوفر منتشر شده است. در پشت جلد کتاب، به نقل از تی. اس. الیوت آمده

است: «ماه الماس نخستین و بزرگ‌ترین رمان پلیسی انگلیسی است». وی این رمان را نخستین، بلندترین و بهترین رمان پلیسی مدرن انگلیسی نامیده است. بدیعی مترجم کتاب در مقدمه، به تحلیل جز به جز سخن الیوت می‌پردازد و شرح می‌دهد که چرا ماه الماس به گفته الیوت نخستین، بلندترین و بهترین رمان پلیسی مدرن انگلیسی است و اگر آدا آلن پو مدیعه داستان کوتاه پلیسی است، ویلکی کالینز نخستین کسی است که رمان پلیسی نوشته است. آن‌گاه به تفاوت میان داستان پلیسی و داستان جنایی پرداخته شده و بعد از آن به اینکه چرا الیوت برای رمان ماه الماس، صفت «مدرن» را به کار برده است. بدیعی می‌نویسد: «اشاره الیوت به «مدرن» بودن رمان پلیسی ماه الماس برای آن است که این گونه داستان را از اساطیر و داستان‌های کودکان و داستان‌های تخیلی گذشته که در آنها نیز نوعی معما مطرح شده است جدا سازد...» وی همچنین به جنبه‌های هنری ماه الماس اشاره کرده و به جنبه‌های اجتماعی کار کالینز نیز پرداخته است.

شاید امیل زولا بیشتر از آنکه بخواهد مخاطب را در کشاکش خون و اشک و رگبار رها کند، تر جیح می‌دهد به آنچه که غیر قابل توصیف است بپردازد

که حتی کارهای بیراه با احساسات یک حیوان هم نشأت گرفته از غریزه اوست. عدم تعادل روانی انسان ناشی از بحران عصبی است که پیش‌تر آن را تجربه کرده است. حتی آنچه که تحت عنوان روابط جنسی برای قهرمانان زن و مرد در آثار ادبی اتفاق می‌افتد، ناشی از نوعی رضایت است. حتی اگر آن قهرمانان قتلی را به علت زنا مرتکب شوند، همه این‌ها ناشی از نوعی اختلال ارگانیک است. آن‌ها زمانی که به نقطه شکست می‌رسند، نوعی اختلال عصبی را تجربه می‌کنند و چاره‌ای جز پذیرش شکست ندارند. به تعبیر هارولد بلوم آنچنان امیل زولا در ترکیب واقع‌گرایی و طبیعت‌گرایی به مهارت دست یافت که بیراه نیست بگوییم که او تا حد زیادی توانست خود را به نمونه‌ای بی‌مثال از بالزاک بدل کند.

من متهم می‌کنم

زندگی و آثار زولا موضوع پژوهش‌های تاریخی بسیار بوده است. در زمینه ادبیات او را عمدتاً با مجموعه بیست جلدی روگن ماکار می‌شناسند که جامعه فرانسه را در دوران امپراتوری دوم فرانسه به تصویر می‌کشد. این مجموعه درباره سرگذشت خانواده روگن ماکار طی نسل‌های مختلف است و شخصیت‌های هر دوره و نسل خاص موضوع هر رمان هستند. نشانه‌های شر را می‌توان به لحاظ اتکینگ در سال‌های آخر زندگی زولا یافت انتشار مقاله‌اش با عنوان «من متهم می‌کنم» در روزنامه سپیده‌دم که پایش را به ماجرای دریفوس باز کرد، مشاهده کرد؛ این مقاله موجب محکومیت او و تبعید یک ساله‌اش به لندن شد. زولا که از چهره‌های برجسته در آزادی سیاسی فرانسه بود، در تبریئه‌الفرد در ریفوس، افسر ارتش فرانسه، از اتهام خیانت نقش اساسی داشت او با این حرکتش به نوعی یادآور عقاید پیشینیان خود نظیر ولتر شد. با تمام این تفاسیر و با کنار یکدیگر قرار دادن نظریات اسکار

وایلد و هارولد بلوم، می‌توان به این نتیجه رسید که آن جوان کودن با گذر زمان راه‌رو رسم تمسک به شر را سرلوحه امورش قرار داد و با اتکایه جامعه‌شناسی و زیبایی‌شناسی در سبک ناتواریسم خط و رد خود را برای آیندگان به یادگار گذاشت. اکنون رویا از مجموعه آثار بیست جلدی تأثیرگذار امیل زولا با ترجمه محمود گودرزی در نشر افق منتشر شده است.

منکر شد. یکی از نکاتی که در این اثر زولا به چشم می‌خورد، تلاش بی‌اندازه او در به تصویر کشیدن تمام و کمال عناصر کلاسیک است. وقتی زولا را می‌خوانید، خواسته یا ناخواسته با او به قرن نوزدهم فرانسه همسفر خواهید شد، اما به‌زعم عده زیادی، این تلاش نافر جام زولا منجر به بازنمایی آناکرونیسم می‌شد. آناکرونیسم یا زمان‌پریشی یا نابه‌هنگامی، مغالطه‌ای گاه‌نگارانه است که طی آن فرد، رویداد، گفتار یا هر چیز دیگری مطابق ارزش‌های زمان فعلی ارزیابی می‌گردد. به عبارت دیگر فرد رویدادها یا شخصیت‌های تاریخی را با نگاه ارزشی امروزی تحلیل می‌نماید. استفاده از آناکرونیسم می‌تواند عمدی یا غیر عمدی باشد. در صورت عمدی بودن ممکن است فردی که از این مغلطه بهره می‌برد هدف‌های طنزپردازانه، ادبی یا تحریک‌کننده داشته باشد. صورت غیر عمدی این مغلطه نیز از سر ناآگاهی فرد مغلطه‌کار خواهد بود. دختر کابین اثر مانند هر دختر دیگری تمایل داشت تا با شاهزاده‌ای ازدواج کند تا شکوه و جلالش حفظ شود، اما ترکیب اروتیک وجودی‌اش با عرفان و تقدس‌گرایی از موانع‌های پیش‌روی او به‌شمار می‌رفت، این همان بعدی است که اکثر منتقدان تمایل ندارند به آن بپردازند، چرا که آن را امری ممنوعه می‌شمارند. در حالی که به تعبیر ژرژ باتای ذهن انسان تمایل به اسطوره‌سازی دارد و به واسطه ذهن ساخته‌خود (اسطوره)، تمایل دارد که به عمق اسطوره‌هایی برسد. حال اگر همین تعبیر باتای را در قبال ممنوعه‌ها به کار ببندیم، می‌توانیم بگوییم که همین ذهن محدود انسان با پررنگ کردن ابژه‌های بحث عنوان ممنوعه روی آن خط قرمز می‌کشد و حق فهم را نسبت به آن مقلوه مورد نظر، از خود سلب می‌کنند. حال آن ممنوعه می‌تواند یک رابطه عاشقانه پر عطش و باهر شکلی از روابط اروتیک باشد.

امیل زولا یک سنت شکن بود

هارولد بلوم در سری کتب نقد کلاسیک در باب امیل زولا، او را سنت‌شکنی خطاب می‌کند که حتی از مرزهای ناتواریسم فراتر می‌رود و به لحاظ زیبایی‌شناسی سعی می‌کند با اتکایه عناصر گوناگون زیبایی-شناسی متفاوتی را در نوع خود ارائه دهد. بلوم او را تحت تأثیر بالزاک، استندال و ویکتور هوگو می‌داند. بلوم معتقد است امیل زولا در برخی از آثارش سعی می‌کند تا به مطالعه خلق و خوی کاراکتر و نه خود کاراکتر بپردازد. شاید زولا بیشتر از آنکه بخواهد مخاطب را در کشاکش خون و اشک و رگبار رها کند، تر جیح می‌دهد به آنچه که غیر قابل توصیف است بپردازد. آن امر غیر قابل توصیف می‌تواند همان طبیعت انسانی باشد، چرا که به چنان شناختی در باب طبیعت بدنی انسان و حیوان می‌رسد که به خوبی درمی‌یابد

زولا که از چهره‌های برجسته در آزادی سیاسی فرانسه بود، در تبریئه‌الفرد در ریفوس، افسر ارتش فرانسه، از اتهام خیانت نقش اساسی داشت

یک خبرنگار سیاسی، زولا نفرتش را از ناپلئون سوم، که از موقعیتش سوء استفاده می‌کرد، مخفی نکرد.

رویا، شانزدهمین کتاب از رمان

روگن ماکار

امیل زولا را بیش از هر چیز با مکتب ناتواریسم و مجموعه کتاب‌های بیست جلدی روگن ماکار می‌شناسند. نخستین کتاب از این مجموعه، کتاب ثروت روگن‌ها یا به تعبیر دیگر دارایی خانواده روگن است. زولا در سال ۱۸۶۸ طرح کلی این رمان و مجموعه آن را آماده کرد و در بیست جلد کتاب به چاپ رساند. در واقع سیر تحولات مربوط به این خانواده را به رشته تحریر درآورد. شانزدهمین جلد از این مجموعه «رویا» نام دارد که اکنون با یکدیگر نگاهی به آن می‌نمازم:

«رویا» روایت دختری است که از خانه قیم خود گریخته و به زوجی پناه برده که محل سکونشان در نزدیکی کلیسا واقع شده است. پسر اسقف هم بعد از سال‌ها به نزد پدر خویش بازمی‌گردد و این بازگشت همزمان سبب آشنایی و شکل‌گیری پیوندی عاطفی و عاشقانه میان این دومی‌گرد. می‌توان در این اثر، در هم آمیختگی رویا و واقعیت را دید. در عین حال نمی‌توان حضور عناصر گوتیک را در طول اثر

علیه ژول میژون و طلبکارانی که از شرکت کانال زولا شکایت کرده بودند، در سال ۱۸۵۱ با پسرش به پاریش بازگشت. طلبکارها در سال ۱۸۵۲ از طریق دادگاه تجاری اکس آن پرووانس شرکت را ورشکسته اعلام کردند. در ۱۰ می ۱۸۵۳ شرکت کانال زولا به حراج گذاشته شد. طلبکارها آن را خریدند و نامش به میژون و شرکا تغییر کرد. مادرش امیلی اویر که کاملاً درمانده شده بود به همراه مادر بزرگش هنریت اویر، مراقبت از فرزند تیمیش را بر عهده گرفت. او که تا زمان مرگش در سال ۱۸۴۰ همچنان رابطه صمیمانه‌ای با پسرش داشت، عمیقاً تحت تأثیر آثار زندگی روزمره او بود. در کالج اکس آن پرووانس او با ژان باپتیستن پای و بیش از او با پل سزان دوست شد که پل سزان، او را به هنرهای گرافیکی و به‌ویژه نقاشی وارد کرد. زولا از همان آغاز جوانی شیفته ادبیات بود، او مطالعاتش را افزایش داد و خیلی زود نوشتن را به‌عنوان شغل برگزید. امیل زولا از سنن کودکی نویسنده‌گی را شغل واقعی خود می‌دانست.

در شش سالگی رمانی درباره جنگ‌های صلیبی نوشت. پل سزان و ژان باپتیستن پای، دوستان دوران کودکی‌اش، نخستین خوانندگاناش بودند. او چندین بار در نامه‌نگاری‌های خود به آنان گفته بود که روزی نویسنده بزرگی خواهد شد. قبل از دستیابی به موفقیت به عنوان نویسنده، زولا به عنوان کارمند در شرکت حمل‌ونقل کار می‌کرد و سپس در بخش فروش برای یک ناشر (Hachette) مشغول به کار شد. وی همچنین برای روزنامه‌های سیاسی مطلب می‌نوشت. به عنوان

خطابه‌اش علت اصلی گسترش ادبیات تحقیرآمیز و غیر اخلاقی در فرانسه را زولا معرفی کرد. وی امیل زولا را انسانی با قلمی شیطانی توصیف کرد و آثارش را اشفالی غیر اخلاقی نامید. اما سر نوشت برای امیل زولا به گونه‌ای رقم خورد که او را تبدیل به شخصیتی حساسیت‌برانگیز در جامعه فرانسه کرده بود. حال نگاه وایلد و منتقدان را در یک کفه ترازو قرار می‌دهیم و نگاهی به زندگی آقای ناتواریست می‌نمایم؛ **زندگی پر فراز و نشیب امیل زولا** امیل ادوارد شارل آنتوان زولا در دوم آوریل سال ۱۸۴۰ در شماره دهم خیابان سن ژورف پاریس از پدری ایتالیایی و مادری فرانسوی به دنیا آمد. او تنها پسر خانواده بود. پدرش فرانسوا زولا، اهل ونیز و مادرش امیلی اویر اهل دوردان بود. پدر امیل مهندس عمران و افسر پایین مرتبه سابق ایتالیایی در مناقصه ساخت سیستم انتقال آب آشامیدنی از کوهستان سنت ویکتوار به اکس آن پرووانس شرکت کرد و در ۱۹ آوریل ۱۸۴۳ در این مناقصه برنده شد و با خانواده‌اش به اکس آن پرووانس نقل مکان کرد. قرارداد این کار در سال ۱۸۴۴ امضا شد و او به همراه شرکای تجاری‌اش شرکت کانال زولا را تأسیس کرد. طرح عمرانی در سال ۱۸۴۷ آغاز شد. فرانسوا پس از آن که پروژه ساخت سد زولا در اکس آن پرووانس را در دست گرفت در ۲۷ مارس ۱۸۴۷ بر اثر ذات‌الریه جانش را از دست داد، امیل و مادرش را با حقوق ناچیز بازنشستگی تنها گذاشت. پس از آن، طلبکارها بابت طلب‌شان از شرکت زولا شکایت کردند. خانم اویر برای پیگیری دعوی



فرزام کریمی، مترجم و منتقد

منتقدان در باب امیل زولا گفته‌اند که همیشه باید با سوءظن نسبت به آن‌ها که زولا را تحسین می‌کنند، نگریت. از نظر منتقدان سبک و سیاق ناتواریسم امیل زولا متکی به باورهای علمی و متدهای جامعه‌شناسی بوده است. اگر به تطور آثار او بنگرید به خوبی متوجه خواهید شد که باورها و اعتقادات او در تمام رمان‌هایش مدام در حال تغییر است. استقلال زیادی از «روگن ماکار» او شد، اما به مذاق منتقدان انگلیسی خوش نیامد، زیرا آن‌ها ریمت این اثر را کند می‌خواندند و عده‌ای از منتقدان دلیل این امر را در ترجمه‌هایی می‌دانستند که از این اثر به زبان انگلیسی صورت گرفته بود و ترجمه‌ها را نامطلوب می‌شماردند. اسکار وایلد در اظهار نظری در ارتباط با امیل زولا عنوان کرده بود:

«زولا مصمم است که نشان دهد یک نابغه نیست، اما حداقل می‌تواند یک کودن کسل‌کننده به نظر برسد». شاید زولا به تعبیر هموطن خود ژرژ باتای هنوز یاد نگرفته بود که برای گریز از کسل‌کنندگی باید به شر متوسل شود. به تعبیر باتای، ادبیاتی که از شر دوری بجوید، کسل‌کننده خواهد بود، اما زمانه همیشه برای او یکرنگ نبوده است، بلکه او توانست به رغم انتقادهای فراوان نسبت به سبک و سیاق نویسنده‌گی‌اش با اثری به نام «نانا» سر نوشتش را تغییر دهد. او با توسل به شر توانست کار را به جایی بکشد که در می ۱۸۸۸، ساموئل اسمیت نماینده مجلس فرانسه در

یادداشت

درباره کتاب «ترامپ» از فیلسوب بزرگ فرانسوی

ترامپ یک فیگور است



افسانه فردان

کتاب «ترامپ» نوشته آلن بدیو، فیلسوف فرانسوی، با ترجمه احمد حسینی که در نشر مانیاهنر منتشر شده است؛ شامل دو سخنرانی از او در دانشگاه‌های آمریکا است که به تحلیل شخصیت ترامپ و سرمایه‌داری جهانی پرداخته است. این سخنرانی‌ها بعد از اعلام ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۶ در دانشگاه‌های آمریکا انجام شده‌اند. بدیو در کتاب ترامپ شخصیت او را از منظر خویش مورد بررسی قرار داده است.

اولین سخنرانی در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۶ در دانشگاه